

فرہنگ بزرگ کوش اوزی

(جلد اول)

عبداللہ جانقا کوش

ماریہ استادانہ

دکتر میر حلال الدین اوزی پروفیسر اور عبد المجید رفعی

انشارات بین المللی نوید شیراز

سرشناسه	:	جانفدا، عبدالله، ۱۳۴۰.
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ بزرگ گویش اوزی / عبدالله جانفدا (سیاوش): با دیباچه‌ی میر جلال‌الدین کزازی و عبدالمجید ارفعی.
مشخصات نشر	:	شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری	:	۲ ج.: مصور (رنگی)
شابک	:	ج. ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۹۲۲-۹ ج. ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۹۲۴-۳
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیپا
موضوع	:	اوزی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع	:	Evazi dialect -- Dictionaries
موضوع	:	اوزی
موضوع	:	Evazi dialect
شناسه افزودن	:	کزازی، میر جلال‌الدین، ۱۳۲۷- مقدمه‌نویس
شناسه افزودن	:	ارفعی، عبدالمجید، ۱۳۱۸- مقدمه‌نویس
رده‌بندی کنگره	:	۱۳۵۸ ج ۲ ۸۳ الف / ۳۲۸۶ PIR
رده‌بندی دیوبی	:	۴۹۹ ج ۳ / ۴
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۶۱۳۸۸



فرهنگ بزرگ گویش اوزی (جلد اول)

گردآورنده و خوشنویسی روی جلد: عبدالله جانفدا (سیاوش)

صفحه‌آرایی: ندا گزینی ■ لیتوگرافی و چاپ: واصل

چاپ اول: ۱۳۹۸ ■ شمارگان: ۱۵۰۰ جلد ■ حق چاپ محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۳۲۲۲۶۶۶۱ ■ نمابر ۰۷۱-۳۲۲۲۹۶۷۶

دفتر تهران- تلفن ۵۹۴۵-۸۸۹۰۵۹۴۵ ■ نمابر ۰۲۱-۸۸۹۲۱۵۲۲

پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

ISBN: 978-600-192-922-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۹۲۲-۹

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۲-۹۲۳-۶

دوره دو جلدی ۲۳۰/۰۰۰ تومان

فهرست

صفحه	عنوان
جلد اول	
۱۱	دیبچه استاد میر جلال الدین کزازی
۱۵	دیبچه پرفسور عبدالمجید ارفعی
۱۷	پیش‌گفتار
۲۲	گویشوران
۲۳	اوز در یک نگاه
۲۹	دلیل نامگذاری اوز
۳۳	مانده‌های باستانی بخش اوز
۴۱	ویژگی فرهنگ گویش اوزی
۴۳	آوانویسی
۴۷	دستور گویش اوزی
۱۰۱	صرف در فرهنگ گویش اوزی
۱۰۶	جدول نشانه‌های اختصاری
۱۰۶	جدول آوانگاری
۱۰۷	جدول نمادها
۱۰۹	واژه‌نامه‌ی گویش اوزی

جلد دوم

- پیوست ۱: زبان زردی (ضرب المثل های) اوزی ۱۱۳۹
- پیوست ۲: نام گستره ی - را نایر بخش اوز ۱۲۶۱
- پیوست ۳: چگونگی آیین عروس گذشتگان ۱۳۳۱
- پیوست ۴: داستان ۱۳۵۹
- پیوست ۵: صرف فعل ها ۱۳۹۱
- کتاب نامه ۱۴۹۳
- جنگ نگاره ها ۱۵۰۳

پیش‌گفتار

پژوهش در زمینه‌ی زبان در را با مهر به نیاکانم به‌ویژه پدرم شادروان حسین‌علی جانفدا و مادرم فاطمه‌نساء - ای بی‌آلای آن‌ها - کردم: آنان که پاک زیستند و به من آموختند که پاک باشم؛ و اینک با مهر به «همسرم لالا» زیزیان و فرزندانم بابک، سیامک، فریمان، فردیس و اهورا «به فرجام می‌رسانم. باشد که آنان نیز پاکی را در اندیشه و دل روشن و جاودان نگاه دارند.

گرچه فرهنگ‌نگاری کاری است بس پیچیده، دشوار، زمان‌فرسا و روزگاربر، اما مهرورزی به سرزمین نیاکانی این سرزمین سپند هزاره‌ها را که سرزمین فره‌مند و پرفروغ فرهنگ و فرزاندگی و فرهیختگی است، و مردم هژیر و فرهیخته‌ی آن، پدران شیفتگی ایجاد می‌کرد که هیچ‌گاه خسته نشدم. پژوهشگر بر بال پژوهش، سوار و به دلت‌های دور سفر می‌کند، در پناه تابش خورشید خرد پرده از اندیشه، گفتار، و کردار گذشتگان برمی‌دارد و راستی را از دل تاریخ بیرون می‌کشد، یعنی از تاریکی‌ها و آسیمی‌ها می‌گذرد و به روشنایی و امید می‌رسد، و هر زمان با پدیده‌ای نو روبرو می‌شود که دلربایی و گیرایی آن، سوختِ راه‌وی خواهد بود و از تلاش نیرو می‌گیرد تا هر زمان جوان‌تر و با نیروی بیشتری بتازد و از پیچ‌وخم راه و خستگی نهراسد.

زبان پدیده‌ای شگرف و پیچیده است و از برجسته‌ترین توانایی‌های ما آدمیان به شمار می‌آید. زبان آنچنان پیچیده و دارای شاخه‌های فراوانی است که همه ویژگی‌های آن در یک ستایه^۱ نمی‌گنجد. زبان، پل فرهنگ از دودمانی به تبار دیگر، شناسنامه و شناسه‌ی هر کس و مردمی بوده و هست. زبان که خود در دسته‌ی مانده‌ی^۲ مینوی^۳ است بدون آن، مانده‌ی ماتکیک^۴ نیز معنی و مفهومی ندارد. با زبان است که مانده‌ی مینوی و ماتکیک هر فرهنگی به آیندگان سپرده می‌شود. زبان افزاری است برای رونمایی از جوهری اندیشه‌هایی که در زندگی روزانه‌ی ما به کار می‌رود. همگان براین باورند که واژه‌ها در کارگاه اندیشه و جهان‌بینی فرهیختگان و روشن‌اندیشان هر روزگاری در هم می‌آمیزند که زایش مفاهیم ژرف آدمی: پاک، پاکبانی؛ راستی و رستگاری تا بیکران‌ها تداوم یابد.

زبان پارسی همانند دودمانی است که چند هزار سال تاریخ، روش، یادمان‌ها، رویدادها و آیین‌های یکی از کهنسال‌ترین مردم‌ها را در خود جای داده و همچنان می‌چرخد. زبان پارسی پیام دهنده‌ی فرهنگ پربار ایرانی در دیرباز بخش بزرگی از آویش^۵ ما ایرانیان بوده و هست. این زبان در ژرفای اندیشه‌ی ماست؛ زبانی که برای مردم گیتی پیام‌آور راستی، نیکی و پاک‌ی است. زبانی که با پند و اندرز و بدون هیچ‌گونه تندی و درستی و پیش‌آمد نازیبا و ناشایسته‌ی پدیدآمده از آن، از فرهنگ ایرانی پاسداری می‌کند، شاهنامه فردوسی هزار سال است که از زبان و فرهنگ ما نگهداری می‌کند، گستراننده‌ی سده‌هاست که در شناساندن فرهنگ پربار ما به جهانیان کوشیده است، پس نمی‌توان برای استواری هر چه بیشتر چنین نهاد خدایپسندانه و کشور نگهداری نکوشید. بر ماست که در الایی هرچه بیش‌تر زبان مادری از هیچ کوششی فروگذاری نکنیم و شیفته‌ی مردم، فرهنگ و سرزمین پاک نیاکانی خود باشیم. این آموزه و سرشت ما را بر آن می‌دارد که مردم‌داری و مردم‌سالاری پیشه کنیم.

۱- ستایه: تعریف.

۲- مانده: میراث.

۳- مینوی: معنوی.

۴- ماتکیک: مادی.

۵- آویش: هویت.

زبان دهش خدای آفرینش و گوناگونی زبان همچو دیگر داده‌های دادار دارنده زیباست. (زمین، آسمان، کوه، دریا، گل‌ها، هنگام‌های^۱ سال و ...) پس بایسته است هر پهنه، زبان مادری خود را پاس بدارند و از آمیختن آن به واژه‌های بیگانه دوری ورزند. از جایی که زبان هر گستره‌ی پارسی زبان، ستون و پایندان زبان پارسی به شمار می‌آیند، بدون شک پاسداری و نگهداری هر گویش پهنه‌ی پارسی زبان، یاری است به زبان پارسی.

اندیشمندان و پژوهشگران جهانی، مردم ایران و هم‌چنین فرهنگ و اندیشه‌های ایرانی را دارای درآیش^۲ فراوان بر مردمان دیگر دانسته‌اند، که از این رهگذر، سهم بزرگی در پیشرفت فرهنگ و تمدن جهانی داشته است. از آنجا که، از مردم ایران سود ادبی و هنری فراوانی به تمدن جهانی رسیده است، گوشه‌نشینی زبان پارسی و گویش‌های سرزمین پارس نه تنها زیانی است بر مردم و کشور ایران، که زبان بسیار بزرگتری است به مردم جهان.

به گزارش آمار، آن رسکه در هزاره‌ی گذشته بیش از دو هزار زبان و گویش بومی نابود شده است. امروزه زبان‌ها و گویش‌های ایرانی با گوناگونی و فراوانی چشمگیر، شوربختانه به سود زبان و گویش «پارسی معیار» رنگ می‌بازد و این زبان بزرگی است برای زبان‌شناسی ایرانی. زبان پارسی نیز خود در دسته‌ی بمباران داده‌ها در روزگار فناوری آگاهی‌ها و دانستنی‌ها، بسیار از زبان مردم دارنده‌ی چنین هنرآفرینی‌هایی، وام‌گیری زبانی می‌کند. از این رو «پارسی معیار» نیز، به گونه‌ای در انواراری است و دیگر شاخه‌ها و گویش‌های آن بسیار در تنگنا. زبان هنگامی در دشواری است، که گویشوران آن زبان، کشتی به سخن گفتن با آن زبان ندارند و پایه‌ی مردمی پیوستگی و وابسته به آن تنگ‌تر می‌کنند و کشتی ندارند که آن را به دودمان آینده بپارند، و در چنین گرداب و گیروداری است که کار و پیمان شیفتگان به این دانش آغاز می‌شود.

اگر فرزندان ما، در این روزگار آسیمه که هر زمان رگبارهای لاخلیرآسا^۳، تیزتاز و بنیادبرانداز، در آن راه می‌افتند، دست از دامان این فرهنگ فروهیده و فرخنده فروه‌لند و

۱- هنگام: فصل.

۲- درآیش: تأثیر.

۳- لاخلیرآسا: سیل‌آسا.

پیوند خویش را با زبان مادری بگسلند، آن درخت تنومند بی مانند بی خاک خواهد ماند و بی بهره از خاک، فرو خواهد پژمرد؛ سیمرغ، آن مهبینه مرغ سپند مهری نیز، بی بهره از آشیان، پر خواهد کشید و جاودانه نماند خواهد شد. اگر فرزندان ما، به آیین و شیوهی نیاکانیشان، چنگ در ریشهی این خاک درزنند، کوهی خواهند بود، سخت و سترگ و ستوار، که بزرگترین زمین لرزه ها را به چالش و ریشخند خواهند گرفت؛ همچنین اگر سبک سنگ و خام کار، خیره روی و تیره رای، ریشه از خاک درکشند، خسی خواهند شد و خاشاکی خُرد و ساچیز که خیزابه ای نرمخیز نیز از جای برمی تواندشان کند و در می تواندشان بود.

فرهنگ گویش اوزی تنها در جایگاه گسترده گی و پیچیدگی بلکه از نگرش دیرینگی یکی از گویش های برجسته ی ستره ی پارسی زبان می باشد. افسوس که این نگارنده خود را ناتوان تر از آن می بیند که بتواند بدان سان که می سزد و می برازد و می باید، فرهنگ مهبینه و کهن اوزی را به نمایش بگذارد و به داناویز این کوتاهی و ناتوانی، در پیشگاه هم میهنان، همشهریان، پژوهشگران و آیندگان شرمسار می آید است کوشش ناچیز نگارنده برای نمایاندن فرهنگ گویش اوزی که یکی از گویش های کهن سرزمین پارس بوده و هست، سرآغازی باشد برای گسترش واژه نگاری در جای های این بهمنی کهن.

فرهنگ نگاری، کاری است پس دشوار که هرچند دارای نگرش و دانش درست باشد، تهی از کاستی نخواهد بود، چه رسد به آن که دانشی در این زمینه نباشد و با زمینه چینی دانش اندک و با امکانات و توانایی کمی که ما را بوده است، بدیهی است که پیچیده و دشوار پرداخته شود. باری روشن اندیشان نیک آگاهند که چنین کارهایی باید با گذشت زمان و در ویرایش های بسیار به آراستگی نزدیک شود. هم از این روست که امیدوارم کسانی که فرهنگ را بررسی خواهند کرد، از سر دلسوزی و به آهنگ و ویرایش و آراستن، کاستی ها را به آگاهی نگارنده برسانند.

نگارنده در هنگام گردآوری این دفتر به بسیاری از بزرگواران بدهکار شده است. برای نمونه: از همشهری فره خ نهاد پرفسور عبدالمجید ارفعی برای خواندن واژه به واژه ی بخش دستوری این دفتر و از این که اندیشه ی نگارنده را به سوی نارسایی ها و کاستی ها کشیدند،

و از استاد گرانمایه و برجسته‌ی ادبیات کشور، دکتر میرجلال‌الدین کزازی برای توجهی که به این دفتر نموده‌اند و نوشتن دیباجه با ورنامه‌ی^۱ «دیرینه‌ی دلنشین» بسیار سپاسگزار است. همچنین از راهنمایی‌های چندین ساله و گام‌به‌گام استاد بزرگوار عبدالنبی سلامی، و مهربانو دکتر مرضیه صنعتی که بخش دستوری این دفتر را ویرایش و نارسایی این بخش یادآوری کردند و از مهربانو طویه احمدی بخاطر ویرایش بخش صرف و نحو و از پشت‌گرمی و پیگیری‌های فرزندانم بابک جانفدا بسیار سپاسگزارم.

در فرجام این نوشتار، بایسته آن است که از کوشش ارزنده و پرازنده‌ی جناب آقای داریوش نویدگویی سرپرست فرهنگ و ایران‌دوست انتشارات نوید شیراز و همکاران گرامی ایشان سپاس بگزارم که چنان‌که زبان گستره‌ی پارس را می‌سزد و گویش اوزی را می‌برازد که نشان‌دهنده‌ی فرهنگ و منش ایرانی است و در چشم ایرانیان جان‌آگاه و خویش‌شناس، گرامی به چاپ رسانیده است. همچنین از همه‌ی کسانی که به گونه‌ای در گردآوری این دفتر مرا یار و نموده‌اند بسیار سپاسگزارم.

عبدالله جانفدا (سیاوش)

۱۳۹۷/۰۸/۰۱ خورشیدی